



کلیسای مخفی

کند و کاوی در مورد روح القدس

نوشته دکتر دیوید پلات

7 نوامبر 2088

کلیسای مخفی

کند و کاوی در مورد روح القدس

چند سالی از آشنائی من و همسرم گذشته بود که خدا منو آشکارا هدایت میکرد و من به این باور داشتم . بنابراین فکر کردم که از این دختر بخوام که همسر من بشه. و بعد از اون به فکر خریدن حلقه ازدواج افتادم. توصیه من به شما جوونا اینه که از همین حالا به فکر پس انداز کردن پول برای روز ازدواجتون باشید. چون که هزینه زیادی براتون خواهد داشت. به هر حال من پس انداز کردم و حلقه رو خریدم. یادمه صبح روز سه شنبه ای بود که حلقه رو خریدم. من استعداد زیادی در گم کردن اشیاء داشتم ، با خودم فکر کردم این دیگه چیزی نیست بخوام گم کنم. و اونو محکم نگهداشتم اما میدونستم که باید هرچه زودتر اونو به صاحب اصلیش بدم. نقشه ام این بود که شب سه شنبه از او بخوام با من عروسی بکنه ، با این حساب، حدود ده ساعت دیگه در طول روز باید از این حلقه مراقبت میکردم. من مأموریتی داشتم که باید انجامش میدادم، باید به یه مرکز خرید میرفتم و یه سی دی موسیقی برای مراسم خواستگاری میخریدم، که این خودش داستان جداگانه ایه. لازم بود که این سی دی خاص رو میگرفتم. اما از این میترسیدم که توی مرکز خرید عده ای بیان و به من تنه بزنند و حلقه رو از من بدزدند. اون روز روز من بود و تصمیم گرفتم که خیلی حواسم رو جمع کنم و همه احتیاط لازم رو بکنم. بیرون هوا خیلی سرد نبود، اما من ضخیم ترین کاپشونی رو که داشتم برداشتم که جیب کوچکی در داخل ، در قسمت سینه

داشت. زیپ جیبم رو باز کردم و حلقه رو توش گذاشتم. زبپش رو بستم و اونو پوشیدم. وقتی در مرکز خرید از ماشین پیاده شدم. دستم رو از بیرون روی جیبم گذاشتم تا تمام مدت حلقه رو تو دستم حس کنم. به هیچ کس نگاه نمی‌کردم. فقط می‌خواستم هر چه زود تر برم داخل و کارمو انجام بدم و خارج بشم. به مغازه سی سی دی فروشی رفتم و دنبال سی سی دی مورد نظر گشتم ولی هرچه سعی کردم نتونستم پیداش کنم، پس با دست پاچگی به اطراف نگاه کردم و فکر کردم که باید از اونا کمک بگیرم. پیش خانم فروشنده رفتم و گفتم که دنبال فلان سی سی دی می‌گردم. میتونید بمن کمک کنید؟ او گفت حتماً. و همراه من راه افتاد.

میخواست سر صحبت رو باز کنه اما من حوصله حرف زدن نداشتم. اما او سر حال بود و پرسید این سی سی دی رو برای چی می‌خواید؟ گفتم خوب امشب نامزدی منه. او گفت واقعاً؟ حلقه نامزدی همراهته؟ این یکی از اون لحظاتی بود که نمیدونستم آیا فقط در این مورد میتونم دروغ بگم، آیا اخلاق مسیحی بسته به شرایطه؟ پس به او نگاه کردم و دروغ نگفتم. گفتم بله خانم حلقه همراهمه. او گفت: اوه خیلی دوست دارم اونو ببینم. و من داشتم فکر میکردم، همینو کم داشتیم حالا اگه اونو در بیارم و اون مرده بیاد و اونو بقاپه همه چی تمومه دیگه. ما ته مغازه بودیم من پشتمو به همه کردم جیبم رو باز کردم و حلقه رو درآوردم و به او نشون دادم. او خم شد و به حلقه نگاه کرد و گفت وای چقدر زیباست. بعد بلند شد و همه همکاراشو صدا کرد گفت هی بیانید این آقا میخواد نامزد بشه، بیانید این حلقه رو نگاه کنید. من فقط منتظر بودم، می‌خواستم هرچه زودتر اونو بدست صاحبش برسونم. نمی‌خواستم او دلخور بشه پس حلقه رو به او دادم هر کسی توی مغازه بود اومد و به حلقه نگاه کرد. فقط به این فکر میکردم که خانم زودتر سی سی دی رو بمن بده. بالاخره او سی سی دی رو داد و من به سرعت از مغازه خارج شدم و از مرکز خرید اومدم بیرون. یادمه که اونروز من کاملاً عوض شده بودم، طرز صحبتتم، طرز راه رفتنم، طرز رفتارم کلاً تغییر کرده بود. وقتی فهمیدم چیز ارزشمندی به همراه دارم همه چی تغییر کرد. من این داستان رو گفتم تا شما رو متوجه این موضوع کنم که وقتی روح القدس رو داریم که درونمون زندگی میکنه چه گنجینه ارزشمندی به همراه داریم. او در ما زندگی میکنه. این روح خداست که در ما مستقر میشه. من معتقدم که ما مسیحیان اگه درک کنیم چه گنجینه ارزشمندی به همراه داریم، رفتار ما تغییری اساسی میکنه. ما گنجینه ای عظیم، ارزشمند و گرانبها داریم که در شخص روح القدس در ما زندگی میکنه. این گنجینه بطور اتفاقی و تصادفی نمياد. اخيراً طی شرایط مختلف و بیشتر توسط ناتوانی کامل من بعنوان شبان با غرور آزار دهنده ام روبرو شدم. بدینوسیله با این درک وحشتناک روبرو شدم که من فقط یک جزء هستم. فکر میکنم بهتر اینه که بگم ما امروزه جزئی از یک سیستم اعتقادی هستیم که متضمن

روشهایی برای اداره امور و کارهای کلیسا هست و در نهایت به هر شکلی و در هر موردی به کمک های روح قدوس خدا وابسته هستیم. قبلاً فکر میکردم لازم نیست که بر خاک بیفتیم و روزه بگیریم که کلیسا رشد کنه، ما برای این تبلیغات میکنیم. لازم نیست با دعا جمعیت رو یکجا جمع کنیم ما به مردم بشارت میدیم. ما گاهی خودمونو فریب میدیم و به غلط فکر میکنیم حضور فیزیکی و جسمانی افراد میتونه بنایی روحانی بوجود بیاره.

من در زندگی شخصی خودم به این نتیجه رسیدم که در این کلیسا و در کلیساهای دیگه در هر کجای دنیا این طرز تفکر بسیار خطرناکه. این اشتباه وحشتناکیه آگه فکر کنیم با کارهای روزمره و برنامه هائی که در کلیسا انجام میدیم می تونیم کلیسایی رو به رشد داشته باشیم و بالاخره یک جا وقتی به پشت سر و به گذشته نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که روح القدس رو کلاً انکار کردیم. و متوجه غیبت او در کلیسای خودمون خواهیم شد. این اظهار نظر جسورانه ای هست اما فکر نمیکنم اغراق باشه که من بیش از هر زمان دیگه ای متقاعد شدم که بزرگ ترین مانع توسعه و پیشرفت جلال خدا در دنیای امروزی تلاش کلیسا ها برای انجام کار خدا جدای از قوت روح القدس هست. اگرحتی فساد مفرطی که در دنیای اطراف ما وجود داره نبود، همین ذهنیت احساس بی نیازی از روح القدس که در کلیسا ها هست، آیا مانعی بر سر راه توسعه و گسترش انجیل در دنیا نمیشد؟ خروج 33 متنی بود که در اوایل امسال در «پروک هیلز» مطالعه می کردیم. من میخوام نیاز شدیدمون به روح القدس رو به شما یادآوری کنم. نهایت سعی ام رو خواهم کرد که یک موعظه کامل نکنم، چون به هر حال اطلاعات لازم و کافی برای این دوره از مطالعه داریم.

یک سؤال فراگیر و اساسی

امروز یک سؤال جامع و اساسی داریم: آیا ما - بعنوان قوم خدا - به خودمون متکی هستیم یا محتاج روح قدوس او هستیم؟ آیا نیازمند روح او هستیم؟
به خروج 33:1 - 3 نگاه کنید:

و خداوند بهموسیگفت: «روانهدشه، از اینجا کوچکن، تو و اینقومکهاز زمینمصر

برآوردهای، بدانزمینیکهبرایابراهیم، اسحاقو یعقوبقسمخورده، گفتهامآنها را بهذریتمو عطا
خواهمکرد. و فرشتهایبیشروی تو میفرستم، و کنعانیانو آموریانو حتیانو فرزیانو حویانو
بیوسیائرا بیرونخواهمکرد بهزمینیکهبهشیر و شهد جاریاست؛ زیرا کهدر میانشما نمیآیم،
چونکهقومگردنکشهستی، مبادا تو را در بینراهلاکسازم.»

خروج 15:33 – 18

بهویعرضکرد: «هرگاهرویتو نیاید، ما را از اینجا مبر. زیرا بهچهچیز معلوممیشود کهمنو
قومتو منظور نظر تو شدهایم؟ آیا نهاز آمدنتو با ما؟ پسمنو قومتو از جمیعقومهاییکهبر
رویزمینند، ممتاز خواهیشد.» خداوند بهموسیگفت: «اینکار را نیز کهگفتهایخواهمکرد،
زیرا کهدر نظر منفیضیافتهایو تو را بناممیشناسم.» عرضکرد: «مستدعیانکهجلالخود را
بهمنبنمایی.»

اینجا در ابتدای این باب موسی قوم خدا رو رهبری کرده و از اسارت و بردگی مصر خارج
کرده و اونها رو از طریق بیابان عبور داده و حالا به این نقطه رسیدند. این قبل از
سرگردانی در بیابان هست، اونا دیده اند که از آسمان نان میرسه و از صخره ، آب جاری
میشه. خدا فیض و شکوهش رو نشون داده، دریای سرخ رو برای اونا باز کرده، اونا دیدند
که چطور امواج خروشان مصریانی رو که در تعقیبشون بودند بلعیده و نابود کرده. خدا
خودش رو ظاهر کرده و اونا رو به این نقطه رسونده. بلافاصله بعد از اینکه در باب 32
موسی با خدا ملاقات کرده، از کوه پائین میاد، و میبینه که قوم خدا گوساله طلانی رو
پرستش میکنند و غرق در انواع عیاشی ها شده اند. اینجا یکی از تصاویر باور نکردنی
شفاعت در کل عهد قدیم رو میبینیم. موسی از طرف قوم خدا التماس میکنه و با فیض خدا
در انتها فقط 3000 نفر میمیرند. بعد خدا در باب 33 میگه: «روانهدشه، از اینجا کوچکن، و
اینقومرا کهاز زمینمصر برآوردهای، بدانزمینیکهبرایابراهیم، اسحاقو یعقوب وعده داده ام و
بهزمینیکهدر آن شیر و شهد جاری استببر. اون زمین رو به شما دادم برید و تصاحب کنید
تنها مشکل اینه که من با شما به آن سرزمین نخواهم آمد.» خوب موسی رو میبینیم. او

میتونه برکات خدا رو داشته باشه. او میتونه برکات خدا رو بدون حضور خدا داشته باشه. اگه ما بودیم چه پاسخی میدادیم؟ قبل از اینکه به این سوال پاسخ بدید دقت کنید. برکات خدا بدون حضور خدا. آیا این همون نوع مسیحیتی نیست که امروزه ما ابداع کرده ایم؟ مسیحیتی که میگه این دعا رو بکنید و به آسمون برید. برکات خدا رو تجربه کنید و لازم نیست که بعنوان خداوند و منجی خودتون با او راه برید. اونا میگند مجبور نیستید حضور مقتدرانه او رو در هر لحظه از زندگیتون تجربه کنید. این کفر محض هست. اگه خدا رو نخواهید به آسمون نخواهید رفت. برخلاف دعوت بشارتی امروز ما به مسیح نمیایم که فقط گناهانمون بخشیده بشه و به آسمون بریم، بهترین زندگی و فراوانی رو تجربه کنیم و از این قبیل چیز ها. نه اینکه اینها چیز های خوبی نیستند، اما ما به مسیح میائیم که به خدا برسیم و همه این چیزها از خدا سرچشمه میگیره. ما نیازمند به خدا هستیم و فقط روح القدس میتونه او رو برای ما آشکار کنه.

خوب موسی در این باب التماس میکنه و میگه خدایا من بدون حضور کامل تو نمیتونیم قدمی به جلو بردارم. این بزرگترین چیزیه که ما امروز باید درک بکنیم، باید بدونیم که محتاج روح القدس هستیم و بدون او درمانده ایم.

چهار دلیل برای نیاز شدید ما به روح قدوس خداوند

چهار دلیل وجود داره که نشون میده چرا باید ما شدیداً نیازمند روح القدس باشیم. اولاً ما مأموریتی داریم که بدون او نمیتونیم انجام بدیم. موسی به خواندگی خودش و به وظیفه ای که خدا به عهده او گذاشته نگاه میکنه، او وظیفه داره این قوم رو به سرزمین وعده هدایت کنه و میگه: « خدایا من نمیتونم این کار رو بکنم، هیچ راهی وجود نداره که من بدون حضور تو این قوم رو به سرزمین وعده برسونم، هیچ تناسبی بین وظیفه ای که منو به انجام اون فرا خوندی و منابعی که در اختیار من میذاری وجود نداره. » او عمق و عظمت

وظیفه ای رو که به عهده داره می بینه و به درماندگی خودش پی میبره. شاید یکی از دلایلی که ما این احساس نیاز شدید به روح القدس رو از دست دادیم اینه که عظمت و اهمیت وظیفه ای رو که برای انجام اون دعوت شدیم فراموش کردیم. بذارید رو راست باشیم از آخرین باری که کلیسای مخفی رو درس دادم تا امروز بیش از 100 هزار نفر در میانمار بوسیله طوفان کشته شدند. 70 هزار نفر در یک زلزله در چین در یک چشم برهم زدن کشته شدند. بسیاری از این 170 هزار نفر کمترین اطلاعی در مورد انجیل عیسی مسیح نداشتند. از آخرین باری که من کلیسای مخفی رو درس دادم تا کنون تغییرات زیادی در بسیاری از کشورها در سراسر دنیا بوجود آمده. بخاطر فلاکت های اقتصادی در سراسر دنیا بحران مواد غذایی و سایر نیازها در حال گسترش هستند. تا زمانی که فکر کنیم میتونیم در کلیساها با قدرت خودمون برنامه ریزی کنیم همیشه با یأس و ناامیدی مواجه خواهیم شد. وقتی بتونیم بگیم خدایا انجام این وظیفه برای من خیلی سنگینه و به روح تو محتاج هستم اون موقع میفهمیم ما مأموریتی داریم که نمیتونیم انجام بدیم. به این دلیل که ما شدیداً محتاج روح القدس هستیم.

ما این امتیاز رو داریم که ترک و رها نمیشیم. به خروج 7:33 – 11 مراجعه کنید. میخوام

اینو با هم تجسم کنیم:

و موسیخیمه خود را برداشته، آنرا بیرونلشکرگاه، دور از اردو زد، و آنرا «خیمه اجتماع» نامید. و واقعه شد که هر که طالبیهو همیبود، بهخیمه اجتماعکه خارجلشکرگاهبود، بیرونمیرفت. و هنگامیکهموسیبهبیرونمیرفت، تمامقومبرخاسته، هر یکبهدر خیمه خود میایستاد، و در عقبوسیمینگریستنداخلخیمهمیشد. و چونموسیبهبخیمهداخلمیشد، ستونابرنازلشده، بهدر خیمهمیایستاد، و خدا با موسیسخنمیگفت. و چونتمامقوم، ستونابرنرا بر در خیمهایستاده میدیدند، همه قومبرخاسته، هر کسبهدر خیمه خود سجده میکرد. و خداوند با موسیروبرو سخنمیگفت، مثلشخصیکهبا دوستخود سخنگوید. پسبهاردو برمیگشت. اما خادم او یوشعبنون جوان، از میانخیمهبیرونمیآمد.

اگر آیه 11 ما رو بهت زده نکنه اونوقت ما خدا رو نمیشناسیم. توجه کنید، موسی به طرف خیمه حرکت میکنه. فرض کنید شما در خیمه تون نشستید و با دوستانتون صحبت میکنید و ناگهان صحبت ها قطع میشه و موسی به طرف خیمه اجتماع میره، شما و هزاران هزار نفر از خیمه هاشون بیرون میان و سکوت سهمگینی بر همه جا حاکم میشه به این مرد نگاه میکنید که از مقابل شما عبور میکنه و شما به او خیره شدید که به سمت خیمه میره و در خیمه رو باز میکنه داخل میشه و در رو می بنده و بعد ستونی از ابر میاد و روی خیمه رو میپوشونه. تمام جمعیت ایماندار با بهت و وحشت و احترام به این صحنه چشم دوختند. چون اونجا مردی هست که با خدا ملاقات میکنه. عجب صحنه ای! این یکی از جاهایی در عهد قدیم هست که نمیتونید ازش رد بشید. خانمها و آقایان یادآوری میکنم که با فیض خدا و با قوت روح قدوس خدا، لازم نیست ما بیرون بیاییم و به مردی یا رهبری برگزیده نگاه کنیم که میره و با خدا ملاقات میکنه. هر کدوم از ما این وعده رو میشنویم که هر کسی با عیسی مسیح رابطه داره این امتیاز رو داره که در خیمه با این خدا ملاقات کنه. شما خیمه هستید. خیمه خدا، شما هستید. او در ما ساکنه. عجب امتیاز عظیمی داریم!. من و شما همون امتیازی رو داریم که در انحصار معدود برگزیده عهد قدیم بود. امتیازی که میتونیم هر روزه در هر لحظه زندگیمون اونو تجربه کنیم و با اون زندگی کنیم. ما باید جزء کسانی باشیم که محتاج روح القدس هستند. چطور میتونیم اونقدر مشغول زندگی باشیم که این امتیاز رو ندیده بگیریم؟ ما این امتیاز رو داریم که رها و ترک نخواهیم شد. ما خانواده ای داریم که نمیتونیم فراموش کنیم. موسی در آیات 15 و 16 دعا میکنه که نه تنها خدا او رو برکت بده بلکه خدا به قوم خودش برکت بده. او نزد خدا فریاد میکنه که حضورش رو به کمال در قومش نشون بده، در من و در شما در ما. امروز خواهیم دید که روح خدا در بین قومش حرکت میکنه. بله او در زندگی یکایک ما کار میکنه. شکی نیست که کار نهایی او در مردم اینه که اونها رو به شباهت مسیح تبدیل کنه. این در مورد همه ما صدق میکنه. ما خدائی داریم که نمیتونیم درکش کنیم. وقتی به آیه 18 میرسیم موسی میگه: " جلال خود

را به من بنما" من فکر میکنم این یکی از جسورانه ترین دعا ها در عهد قدیم هست.

موسی مردیه که جلال خدا رو در بوتۀ مشتعل دیده. در خط مقدم تمامی بلاهایی که در مصر نازل شده بود حضور داشته. مردم رو در عبور از دریای سرخ رهبری کرده. او مردیه که صخره رو زده و از اون آب جاری کرده، شفاعت کرده که از آسمان غذا برای مردم رسیده، وقتی هر کس دیگه ای از پای کوه فرار میکرد چون خیلی خطرناک بود، او تنها کسی بود که بر بالای کوه رفت و جلال خدا رو مشاهده کرد، او تنها کسی بود که جلال خدا رو مشاهده کرده بود. و حالا به این نقطه رسیده و میگه "جلال خود را به من بنما". چطور میتونه این درخواست رو بکنه؟ دلیلش اینه: وقتی شما یک بار جلال این خدا رو تجربه بکنید، اشتیاق سیری ناپذیر بیشتر و بیشتر و بیشتری برای مشاهده جلال او پیدا میکنید. دلتون میخواد جلال بیشتری از او رو تجربه کنید و به این دلیل که ما باید جزء کسانی باشیم که شدیداً نیازمند و محتاج روح او هستند. برای روشن شدن. یوحنا 12:16 – 15

جائیه که باید بهش نگاه کنیم، اگه بخواید میتونید یادداشت کنید، در این آیات عیسی به شاگردانش میگه: «چیزهای بسیاری هست که باید به شما بگویم ولی شما فعلاً طاقت شنیدن آنها را ندارید. در هر حال، وقتی او که روح راستی است بیاید شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد زیرا از خود سخن نخواهد گفت بلکه فقط در باره آنچه بشنود سخن می گوید و شما را از امور آینده باخبر می سازد. او مرا جلال خواهد داد زیرا حقایقی را که از من دریافت کرده به شما اعلام خواهد نمود. هر چه پدر دارد از آن من است و به همین دلیل بود که گفتم: حقایقی را که از من دریافت کرده به شما اعلام خواهد نمود.» این خبر خوبیه چیزهای بسیار خوبی اینجا هست هر چه پدر داره متعلق به عیسی هست و او اینو به ما آشکار خواهد کرد و این کار رو توسط روح خودش انجام خواهد داد. من و شما جاده ای داریم که در اون لحظه به لحظه و هر روزه تجربیاتی کسب میکنیم و با گفتگو با روح خدا، جلال خدا رو میشناسیم. پس اگه میخوایم که جلال خدا رو بشناسیم، باید در زمره کسانی باشیم که شدیداً نیازمند روح خدا هستند. اینها چهار دلیلی بودند که ما باید عاجزانه به او

محتاج باشیم و امروز برای این چهار دلیل در این جلسه دعا خواهیم کرد.

چهار دعا متحد باهم برای امروز

جانانان ادوارد گفته، در میانه بیداری بزرگ، وقتی خدا میخواد کار بزرگی برای کلیساش

بکنه، اراده او اینه که دعا های خارق العاده قومن رو در اولویت قرار بده.

دعا میکنیم حضور خداوند بیاید. مزمور 23:44 : ایخداوند بیدار شو! چرا خوابیده‌های؟

برخیز و ما را تا بهابد دور مینداز.

مزمور 14:80: ایخدایلشکرها رجوعکرده، از آسماننظر کنو ببینو از اینمؤ تفقد نما . ما را

بیدار کن. دعا میکنم حضور خداوند در طی این جلسه با قوت به قلبهای ما بریزد.

دعا میکنیم کلام خداوند بیاید. این از نحما 8 و دوم تواریخ 34 هست. این زمانهایی در

عهد قدیم هست که حضور خداوند به روشهای غیر معمول آشکار میشد. در نحما 8 عزرا

کتاب مقدس رو باز میکنه و همه سرپا می ایستند، دست هاشون رو بلند میکنند و فریاد

میزنند، " آمین! آمین! " اونها در واکنش به کلام او سجده و تعظیم میکردند. در دوم

تواریخ 34 اونا کتابی رو پیدا میکنند، کتابی که ازش غفلت کرده بودند، کتابی که ندیده

گرفته بودند، و حالا اونو پیدا کردند. این جرقه ای برای روشن کردن آتش بیداری قوم

اسرائیل بود. دعا میکنیم کلام خداوند به خانه ها بیاید. دعا میکنیم کلامش رو دریافت کنیم.

امیدواریم ما هم کلام خدا رو همونطور دریافت کنیم که قوم اسرائیل در نحما هشت وقتی

عزرا کتاب رو باز کرد، دریافت کردند و مثل اونها واکنش نشون بدیم و پرستش کنیم.

دعا میکنیم کلام او رو بازگو و تکثیر کنیم. این جا میخوام یاد آوری کنم که در هر کلیسای

مخفی این کارو بکنید. هدف ما از این دوره مطالعه این نیست که کسانی که در این جلسه

حضور دارند تعالیمی در مورد روح القدس بگیرند. اگه هدف ما این باشه خیلی از مرحله

پرت میشیم. این یک هدف کاملاً خود خواهانه هست که فکر کنیم هدف فقط یادگیری ما

هست. هدف ما در این دوره این نیست که از خودمون پذیرایی کنیم، بلکه میخوایم تجهیز

باشیم. هدفمون اینه ، افرادی که از سراسر دنیا در این دوره شرکت میکنند در این دوره مجهز بشند تا به دیگران در مورد روح قدوس خدا تعلیم بدنند. پس ازتون خواهش میکنم وقتی گوش میکنید دیگران رو بیدار بیارید. به خاطر کسانی گوش کنید که تحت تأثیر شما هستند. به خاطر کسانی گوش کنید که در ارتباط با شما هستند و خدا به منظور شاگرد سازی به سوی شما هدایت میکنه. به خاطر مردم سراسر دنیا گوش کنید، که شما فرصت خواهید یافت حقیقت مسیح و روح قدوس خدا رو به اونها تعلیم بدید. خوب یادداشت بردارید. خوب توجه کنید. هشیار باشید و از روح القدس بخواهید که به شما کمک کنه در سرتاسر جلسه هشیار باشید.

دعا میکنیم قدوسیت خداوند بیاید و در ما بماند. دعا میکنیم حضور خداوند بیاید. دعا میکنیم کلام خداوند بیاید. دعا میکنیم کلامش رو دریافت کنیم. دعا میکنیم قدوسیت خداوند بیاید و در ما بماند. و دعا میکنم زمان امروز ما با همدیگه زمان تصفیه و پالایش ما باشه که بیشتر به شباهت مسیح در بیانیم. نه فقط صرفاً به این دلیل مطالعه کنیم که کتاب مقدس رو مطالعه کرده باشیم. ما میخوایم در انتهای این دوره از مطالعه بیشتر به شباهت مسیح در بیانیم. میخوایم در قدوسیت رشد کنیم. من برای شما دعا کرده ام که خدا با روح قدوسش دلهای ما رو زنده کنه، و گناهان زندگی ما رو نشون بده و ضمن نگاه به روح القدس در کلام خدا ما رو پالایش و خالص بکنه دعا میکنیم قدوسیت او بیاید و در ما بماند. دعا میکنیم قوم خدا هشیار گردند. تا بی تفاوتی از هر نوعی که در مسیحیت ما شکل گرفته، در هم شکسته بشه، حس خود پسندی با شور و اشتیاق تازه ای برای شناخت جلال خدا با قوت روح قدوس خدا، درهم بشکنه. یکی از داستانهایی محبوب من در مورد «دی ال مودی» از واعظین معروف گذشته، مربوط به زمانی میشه که او در ایالات متحده در مورد بیداری در مکانهای مختلف موعظه میکرد. و بسیاری از مردم به مسیح ایمان میآوردند. او خدمتش رو در انگلستان شروع کرده بود و در ابتدای خدمتش در اونجا، در زندگینامه اش میخونیم که او در انگلستان به کلیسایی میره. و روز یکشنبه موعظه بسیار

گیرائی می‌کنه . اما او تعجب میکرد ظاهراً کسی گوش نمیداد ، مثل این بود که در اون جمع کسی زنده نبود وقتی به آخر موعظه رسید مردم رو تشویق کرد که به دعوت انجیل پاسخ بدند و کسی پاسخی نداد.

این جمع کاملاً مرده بنظر میرسیدند. قرار بود عصر همون روز نیز در اونجا موعظه کنه اما او کاملاً مایوس بود و نمیخواست موعظه کنه. اما به هر حال رفت و دوباره موعظه کرد. او وقتی اون شب موعظه کرد روح کاملاً متفاوتی در سالن وجود داشت . مردم با حالتی منتظر نشسته بودند و هر کلمه ای رو به دقت گوش میکردند. او به آخر رسید و مردم رو تشویق کرد و خواست که به دعوت انجیل پاسخ بدند. او گفت اگه امشب می‌خواهید به مسیح اعتماد کنید ، ازتون دعوت میکنم همون جایی که هستید بایستید. مردم در سراسر سالن بلند شدند. اکثراً کسانی بودند که صبح هم توی کلیسا بودند و بنظر میرسید خواب هستند. مودی فکر کرد شاید متوجه منظور او نشده اند و ازشون خواست که بنشینند. او دوباره آیه رو خوند و به اونا گفت حالا اگه واقعاً می‌خواید به مسیح ایمان بیارید بلند شید، بار دوم افراد بیشتری از قبل بلند شدند. مودی هنوز هم متقاعد نشده بود. فکر میکرد مثل اینکه یه مشکلی هست، پس از اونا خواست دوباره بنشینند. این داستان واقعیه . او دوباره آیه رو خوند: هرکس به قلب ایمان بیاره و به زبان اقرار کنه که مسیح... نجات خواهد یافت. و دوباره گفت حالا اگه واقعاً می‌خواید به دعوت مسیح پاسخ بدید، بعد از جلسه در اتاق بغلی نزد شبان و من بیاید. او میخواست ببینه آیا اونا واقعاً علاقمندند و به اتاق بغلی خواهند رفت یا نه . مردم جلسه رو ترک کردند و به اتاق بغلی رفتند اونجا اتاق کوچکی بود و مردم صف کشیده بودند. مودی هنوز هم باور نمیکرد از این رو دوباره آیه رو خوند و به اونا گفت اگه واقعاً می‌خواید ایمان بیارید برید و فرداشب بیاید. اما مودی قرار بود فردا صبح اونجا رو ترک کنه و به شهر دیگه ای بره. به اونا گفت برید و فردا شب بیاید شبان به شما کمک خواهد کرد. فردا صبح او شهر رو ترک کرد و به محل دیگه ای رفت و تمام اون مردم رو بلاتکلیف گذاشت. وقتی به شهر بعدی رسید تلگرافی از شبان دریافت کرد که از او

دعوت میکرد برگرده چون دوشنبه شب عده بیشتری او مده بودند. همه میخواستند قلبشون رو به مسیح بندند. مودی برگشت و هفته های متوالی به موعظه در اون شهر ادامه داد و تمام شهر بیداری عظیمی رو تجربه کردند. درصد زیادی از مردم به مسیح ایمان آوردند. مودی شخص کنجکاوی بود و میخواست بدونه در فاصله صبح یکشنبه تا شب یکشنبه چه اتفاقی افتاد. چیز متفاوتی وجود داشت. اونا همون افراد بودند. اما جو کاملاً متفاوت بود. او شروع به تحقیق کرد. او فهمید که در اون منطقه زن عیلی بوده که در خانه بستری بود و در مورد خدمات مودی در امریکا خوانده بود. او اونروز صبح در کلیسا نبوده و وقتی خواهرش از کلیسا برمیگرده و به او غذا میده، از او سوال میکنه که جلسه چطور بوده و خواهرش میگه کسل کننده بود مردی بنام دی ال مودی موعظه میکرد. بلافاصله چشمهای زن از خوشحالی گرد میشه و میگه من مدتها بود دعا میکردم که خدا این مرد رو بیاره که برای جماعت ما موعظه کنه. حالا غذای منو کنار بذار میخوام بقیه امروز رو روزه بگیرم و دعا کنم که روح القدس برکاتش رو از طریق این مرد در کلیسای ما جاری کنه. من این مطلب رو براتون گفتم چون ایمان دارم که بدون حضور و قوت روح القدس این جلسه تعلیمی ما بیهوده خواهد بود. میخوام ازتون دعوت کنم که در گروه های دو یا سه نفره با هم دعا کنید درخواست کنید و نیازتون رو به روح القدس اعلام کنید بگید روح القدس محتاج تو هستیم بی تو در مانده ایم، بما تعلیم بده، بما نشون بده ما رو تصفیه کن و این چهار دعا رو باهم به حضور روح القدس ببرید. دعا کنیم قدوسیت خداوند بیاید و در ما بماند. دعا کنیم حضور خداوند بیاید. دعا کنیم کلام خداوند بیاید. دعا کنیم کلامش رو دریافت کنیم. دعا کنیم قدوسیت خداوند بیاید و در ما بماند. دعا کنیم کسانی که در این جلسه حضور دارند هشیار باشند. چند دقیقه ای با هم دعا کنیم و بعد من دعای پایانی رو میکنم. پدر به حضور تو اومدیم و نیاز عمیق خودمون رو به فیض تو اعلام میکنیم. ما میدونیم هیچکدام از ما در هر جایی که هستیم با هوش و لیاقت و کار خودمون به اونجا نرسیدیم. ما با فیض تو نجات یافتیم. کلامت بواسطه فیض تو به ما رسیده. ما برای هر نفسی که

میکشیم به فیض تو متکی هستیم . ما در هر راهی به تو نیازمندیم. دعا میکنیم همون احساسی رو که موسی داشت به ما بدی تا بدونیم یک قدم بدون تو به جلو رفتن در زندگی شخصی و یا بعنوان کلیسای تو چقدر خطر ناکه. بدون حضور کامل و قدرت تو نمیتونیم قدمی به جلو برداریم. بما قلبی عطا کن تا فریاد بزیم جلالت رو به ما نشون بده ما جلال تو رو میطلبیم. دعا میکنیم جلال و قدرت حضور تو امروز در این جلسه نمایان بشه. شفاف و خالی از اشتباه باشیم. و طنین کلام تو در گوشها و ذهن و دلها مون بعنوان یک گنجینه به صدا در بیاد. دعا میکنیم خدایا ما رو پاک کنی و با فیض خودت ما رو تبدیل کنی و هشیار کنی . خدایا دعا میکنیم ما رو نسبت به جلال خودت و واقعیت چیز هایی که در کلامت گفتی هشیار کنی. ذهن و دل ما رو هشیار کن تا ببینیم تو کی هستی و در تو تمتع ببریم و تو را بپرستیم و به شایستگی تو رفتار کنیم و نام تو را به برادران و خواهران تحت ستم در سراسر جهان اعلام کنیم. پدر دعا میکنیم روح تو امروز در بین ما در وقت این جلسه بطرزی خارق العاده و شگفت انگیز و باور نکردنی عمل کنه. دعا میکنیم که درک کنیم ما از خودمون نمیتونیم کاری انجام بدیم و همه چیز با فیض تو میسر هست. دعا میکنیم حضور خودت رو امروز به کمال از طریق کلامت بر ما آشکار کنی. کمک کن امروز حضور تو رو در زندگی ها و کلیسامون تجربه کنیم. در نام عیسی طلبیدیم آمین.

چهار جنبه از مطالعه ما

این چهار جنبه از مطالعه امروز ما هست: روح القدس: راز و تاریخچه – این فقط یک بررسی اجمالی هست.

شخص روح القدس – او کی هست – چیکار میکنه. ما بیشتر وقتمون رو صرف این مورد خواهیم کرد. روح القدس: مطالب مهم – ما با صحبت در مورد کفر گویی علیه روح القدس و مطالب مربوط به اون جلسه امون رو به پایان می رسونیم. گناه غیر قابل بخشش چیه؟
تعمید با روح القدس – تعمید اول، دوم، سوم، چهارم ، پنجم یعنی چی؟ پرشدن از روح القدس – این چه مفهومی داره؟ عطا یافته از روح القدس – مخصوصاً عطایای خاص

معجزه آسا. عطیه نبوت، صحبت به زبانها و عطیه شفا چیه؟ این رو در جلسه مربوط به زبانها بعداً خواهیم دید، جلسه خوبی خواهد بود بسیار خوب و دلپذیر.

روح القدس:

اسرار و تاریخچه

اینها سخنان مردی بنام برنارد رام هست:

ادعای اینکه اطلاعات زیادی در مورد روح قدوس خدا داریم در مغایرت کامل با طبیعت روح خدا هست. ابهام و اسراری در مورد روح القدس هست که نمیتوان باز کرد. حضور آنی روح القدس رو نمی توان با تصویر نشون داد. نامرئی بودن روح القدس را نمیتوان به زور مرئی کرد. روح القدس سکوتی داره که نمیتوان اونو تبدیل کرد. به این دلیل انسان برای نوشتن سطری در باره روح القدس احساس ناتوانی، بی کفایتی و بی لیاقتی میکنه. حالا از یک جهت شروع مطالعه ما ممکنه ملال آور بنظر برسه، اما وقتی صحبت از کشف اسرار روح القدس میشه، این جائیه که میخوام واقعاً به چالش پیش رویمان به روشی متفاوت فکر کنیم.

کشف اسرار روح القدس

روح القدس الزامی و ضروری هست. واقعیت اینه که وقتی مطالب رو بررسی میکنیم خواهیم دید، بدون روح القدس نه انجیلی بود، نه کتاب مقدسی بود نه ایمانی بود، نه کلیسایی بود و نه مسیحیتی وجود داشت و نه مسیحی ای. روح القدس الزامی هست. به این دلیل عیسی قبل از اینکه به آسمان صعود کنه وقتی داشت با شاگردانش صحبت میکرد بر ضرورت روح القدس تأکید کرد. او گفت جائی نرید تا روح القدس بر شما بیاد، شما به روح القدس نیاز دارید. او به این مردان نگاه میکرد اونا باهوش ترین مردان دنیا نبودند. او

گفت: بدترین کاری که میتونید بکنید اینه که خودتون شخصاً اقدام به کاری بکنید. من شما رو در عمل دیدم. باید منتظر بمونید من روح خودم رو ، حضور خودم رو میفرستم تا در شما زندگی کنه، اونوقت شما مفید خواهید بود اما اگه این کار رو نکنید این کار از همون ابتدا مایوس کننده خواهد بود. همون چیز امروز هم صدق میکنه. ما به دلیل هوش سرشار مسیحی نشدیم ما باهوش ترین مردان و زنان روی زمین نیستیم. ما عملاً خوانده شدیم چون افراد ضعیفی در دنیا بودیم، پس شجاع باشید. خدا شما رو به نام فراخوانده چون توسط روح قدوسش در شما جلال عظیمی پیدا میکنه. هر کار خوبی که از من و شما سر میزنه به خاطر روح قدوس او هست. روح القدس ضروری هست، با این حال واقعیت اینه که خیلی از ما ها بدون اینکه بدونیم روح القدس کیه و چه کاری انجام میده سرگردان هستیم. تقریباً مثل متنی که در اعمال رسولان باب 19 هست. در بسیاری جاها میبینیم که مردم حتی از وجود روح القدس بی اطلاع هستند. خود من هم گاهی چنین احساسی دارم. در بسیاری از کلیساهای امروزی ما جنبش های روح القدس رو دیده ایم ما به اعمال روح القدس در دنیا اذعان داریم اما غالباً واکنش ما اینه که روح القدس رو بیشتر با کارهایی که نمیکنه توصیف میکنیم نه با کارهایی که انجام میده. ما باید از این چیزها توبه کنیم. روح القدس یک ضرورت هست. ما به روح القدس نیاز داریم ایوان رابرتز در جریان بیداری 1904 فریاد میزد و میگفت: روح القدس رو تکریم کنید روح القدس رو تکریم کنید، روح القدس رو تکریم کنید. روح القدس ضروری هست.

روح القدس غیر ملموس هست. عیسی وقتی در مورد روح صحبت میکنه اون رو با بادی مقایسه میکنه که میتونه در هر جایی که میخواد بوزه. شما میتونید صدای باد رو بشنوید اما نمیتونید بگید از کجا میاد و یا به کجا میره. اگه صادق باشیم باید بگیم تصور کردن خدای پدر و خدای پسر برامون آسونتر از تصور خدای روح القدس هست. ما از پدر تصاویر مختلفی در ذهن داریم چون مربوط به رابطه ای انسانی هست. پسر – عیسی در جسم انسانی هست، اما اثبات روح القدس مشکل هست. حتی وقتی به ترجمه کینگ جیمز

نگاه میکنیم میبینیم که از روح قدوس صحبت میکنه و از کلمه ای استفاده میکنه که بیشتر به معنی شبیح هست تا روح. ما چه تصویری از روح قدوس در ذهن داریم چطور به او فکر میکنیم؟ اینجا تصویری غیر قابل لمس وجود داره و درک اون خیلی سخته. وقتی به کتاب مقدس نگاه میکنیم، بیشتر از این صحبت میکنه که خدا کی هست و مسیح کی هست. قسمتهایی هستند که منحصرأ از روح القدس صحبت میکنند مثلاً! یوحنا 14 – 16 بما میگه که روح القدس کیه، اما قسمتهای زیاد دیگری مثل اینها وجود نداره که تعریف جامعی در یک جا از روح القدس بما بده. و این چالشی پیش روی ما قرار میده. روح القدس یک ضرورت و غیر قابل لمس هست.

روح القدس خستگی ناپذیر هست. همونطور که در مورد شناخت خدا گفتیم و بر اساس چیزی که برنارد رام میگه ما نمیتونیم روح خدا رو بطور کامل و جامعی بشناسیم، اما این بدان معنی نیست که ما نمیتونیم حقیقتاً او رو بشناسیم.

روح القدس قابل درک هست. ما نمیتونیم روح خدا رو بطور کامل و جامعی بشناسیم. درست همونطور که نمیتونیم خدا رو در فیض لا یتناهی اش و عظمت بی انتهایش بطور جامع درک کنیم. اما میتونیم حقیقتاً او رو درک کنیم. روح القدس خودش رو بر ما آشکار میکنه. او ماهیتش را از ما پنهان نمیکنه. او قابل شناخت و قابل درک هست.

روح القدس شخصی هست. حُسن اش این هست. گاهی وقتی صحبت از خدای پدر میشه ما طوری به پدر فکر میکنیم که او موجودی افضل هست که تقریباً خودش رو از ما دور میکنه. ما حتی فکر میکنیم پسر دو هزار سال پیش از ما دور شده. اما واقعیت اینه روح القدس به روشی واقعی با ما حضور داره. او در ما زندگی میکنه او بطور شخصی در ما ساکن هست. او در زندگی ما فعال هست روح القدس و تثلیث در زندگی های ما کاملاً شخصی هست.

روح القدس تجربی هست. این جائیه که روح القدس غیر ملموس، به روح القدس ملموس تبدیل میشه، چون ما قدرت روح القدس رو میبینیم وقتی شروع میکنید برای کسی در مورد

عیسی صحبت کنید، روح خدا برای این کار به شما قدرت می‌دهد. و این برای شما قابل لمس همیشه. وقتی از سختی‌ها عبور میکنید و شروع به دعا میکنید و روح القدس شروع میکنه به شفاعت کردن برای شما با ناله‌های و کلماتی که غیر قابل بیان هستند، یک واقعیت ملموسی رو میبینید. وقتی در طول زندگی مجبور میشید تصمیماتی بگیرید و دعا میکنید و هدایت میطلبید و روح القدس هدایتتون میکنه، این حضور غیر ملموس کاملاً قابل لمس همیشه. روح القدس تجربی هست. در ضمن این جایی هست که چالش میاد چون بسیاری از مردم ادعا میکنند که تجربیات متفاوتی دارند و به این وسیله ما روح القدس رو تبدیل به چیزی جنجالی میکنیم.

روح القدس بحث انگیز هست. تجربیات زیادی هست که بین مردم دهن به دهن میگرده و برخی از اونا برچسب روح القدس رو بر خودشون دارند. من فکر میکنم وقتی صحبت از شناخت روح القدس هست، اینکه ما ادراک خودمون رو از روح القدس به جای کتاب مقدس بر مبنای تجربیات قرار بدیم کار خطرناکی هست ما باید در این مورد بسیار مراقب باشیم. نه اینکه تجربیات رو کاملاً دور بندازیم بلکه باید به تجربیات در پرتو کلام خدا نگاه کنیم. این چیزیه که ما رو به بحث‌هایی پیرامون نحوه کار روح القدس هدایت میکنه. ما دعا میکنیم که روح خدا به ما حکمت عظیمی عطا کنه که کلام او رو بشنویم و در پرتو کلام خدا به تجربیاتمون فکر کنیم.

تاریخچه کند و کاو روح القدس

این جاییه که ما میبینیم مباحثات بوجود میاند. من میخوام سریعاً از این مبحث عبور کنم اما بهتون نشون خواهم داد که این چرا اهمیت داره. میخوام بهتون نشون بدم که در دو هزار سال تاریخ گذشته مسیحیت مردم در مورد روح القدس چطور فکر میکردند.

دوره پاتریارک‌ها

دوره پاتریارک‌ها یعنی پدران کلیسا، از پایان دوره عهد جدید در قرن اول تا حدود قرن هشتم شما

مردانی مثل اوریجین، کلمنت رومی، ترتیلیان و آگوستین رو میبینید که در مورد روح القدس و از وحی کتاب مقدس توسط روح و از الوهیت او صحبت میکنند. کسانی رو میبینید که عملاً زندگی‌شون رو وقف میکنند تا از حقایقی دفاع کنند، که در این مطالعه از اونها صحبت خواهیم کرد. ما میبینیم که بیشتر بر شخص مسیح تمرکز شده اما شخص روح القدس مورد بحث و مناظره کلیساها در اون دوره بوده. وقتی قواعد و افکاری در مورد روح القدس و کلام در کلیسا تدوین میشد، بدعت‌ها و اندیشه‌های متفاوتی ظاهر شدند.

فلسفه عرفانی – این اعتقادی بود که جسم پوشیدن عیسی مسیح را فاقد اعتبار میدانست و روح القدس را مادر عیسی و دیگران عنوان میکرد. و این سو تفاهم‌ها موجب این شد که میگفتند روح القدس کاملاً خدا نیست و الوهیت مسیح و روح القدس را فاقد اعتبار میدونستند.

اندیشه دیگری که ظهور کرد مونتانیسم بود. مونتانا نوز و پیروانش خود را سخنگویان روح القدس میخواندند وقتی مونتانا نوز تعمیم گرفت شروع کرد به صحبت به زبانها و نبوت کردن دو تن از زنانی که شاگرد او بودند ادعا میکردند که سخنگویان خدا هستند. و از طرف خدا برای مردم کلام میاوردند که به اندازه کتاب مقدس برای اونا معتبر بود. فرقه‌های دیگری هم در اون دوره بوجود آمدند.

دوره قرون وسطا ...

بعد میرسیم به دوره قرون وسطا که از قرن هشتم شروع میشه و تا قرن پانزدهم ادامه داره و بزرگترین رویداد در این دوره، انشعاب بود. این بزرگترین جدائی بین مسیحیت شرق و غرب بود. و از این سنوال سرچشمه میگرفت: آیا روح القدس بر پدر و پسر ارجهیت داره؟ سعی کنید اینجا منو درک کنید. اینجا ممکنه وسوسه بشید و فکر کنید واقعاً کی به انشعاب و جدایی اهمیت میده و چرا اینهمه مسئله رو بزرگ میکنید؟ بحث اصلی سر این بود، آیا روح القدس تنها از طرف پدر میاد یا از طرف پدر و پسر؟ خیلی‌ها سعی میکردند تثلیث رو طوری تجسم کنند که مثل اینکه دو سر داره پدر و پسر – پس روح القدس از طرف پدر و پسر میاد. و به این دلیل مسیحیان شرقی این ادعا رو رد کردند و گفتند ما اینو نمیپذیریم که روح القدس از طرف پدر و پسر میاد. مسیحیان غربی میگفتند که روح القدس از طرف پدر و پسر میاد. امروزه این مهمه چون مذاهب مسیحیای هستند که میگند اگر روح القدس فقط از جانب پدر میاد پس میتونه به سایر مذاهب غیر مسیحی هم بیاد و مردم رو بدون مسیح هم به طرف پدر هدایت کنه. و در نتیجه کثرت گرانی فراوانی این روزها در این بظاهر کلیساها رواج پیدا کرده و رهبران اونها این تعلیم رو میدند که چطور روح القدس مردم را از تمام مذاهب دنیا به طرف خدا میاره و مسیح را تماماً از

الهیات خود کنار گذاشته اند. به این دلیل این اهمیت دارد.

دوره اصلاحات ... دوره اصلاحات بین قرن شانزدهم و هفدهم هست. در این دوره مردانی چون

مارتین لوتر، اولریش زوینگلی و جان کالوین رو میبینیم. کالوین مخصوصاً به عنوان الهیدان روح القدس شناخته شده. کالوینیزم حول این محور میچرخه که روح القدس به دو روش به ما اطمینان میده: با الهام از کتاب مقدس و در هر جنبه نجات. اصلاح طلبانی مانند مارتین لوتر و جان کالوین بیشتر در مورد ارتباط روح القدس و کلام خدا صحبت میکنند. بعد از دوره اصلاحات پاک دینان به عرصه آمدند. مردی بنام جان اوون بیشتر در باره تقدیس شدگی رو به رشد و رشد در خدانشناسی صحبت میکنه و به نقش روح القدس در دوره تقدیس ما میپردازه.

عصر نوین ...

عصر نوین از قرن هجدهم تا به امروز ادامه داره. در این دوره جنبش های مختلفی بوجود آمده. اسکولاستی سیزم شیوه تعلیم روح القدس به روش قرون وسطانی که در درجه اهمیت دوم نسبت به سایر نظریات قرار داره. این شیوه اهمیت چندانی نداشت و اساساً در سایه سایر نظریات پنهان ماند. آرمینیانیزم. این جنبش اهمیت حاکمیت روح القدس رو کاهش داده و بیشترین اهمیت رو بر اراده آزاد قرار داده. به انسان بیشتر تأکید شده تا بر روح القدس – کاری که انسان میکنه برخلاف چیزی هست که روح القدس درونمان ما رو به اون تشویق و تهییج میکنه. پرفکشینیزم یا کمال گرایی – این نظریه جان وسلی پایه گذار جنبش متدیست بود. در بین کارهای مفیدی که وسلی انجام داده او از این صحبت به میون آورده که ایمانداران تقدیس شدگی کامل را در این دنیا و این حیات تجربه میکنند، یعنی بعد از اینکه نجات یافتند روح القدس شروع به کار میکنه و شما رو در این حیات و بر روی زمین کاملاً تقدیس میکنه. تقریباً همزمان با وسلی، جرج ویلفیلد هم موعظه میکرد که نتیجه اش نهضت ریویوالیزم یا بیداری بود که منجر به بیداری عظیمی شد و عده کثیری به مسیح آمدند. ویلفیلد بیشتر بر نقش روح القدس متمرکز بود که باعث تهذیب مردم و ایمان آوردنشان به مسیح میشد. بعد تحولی بوجود آمد که به نقش انسان در تهذیب و احیاء بیشتر اهمیت میداد تا نقش روح القدس. مردانی مثل چارلز فینی آمدند و در مورد این صحبت کردند که ما باید چیکار کنیم که باعث به کار واداشتن روح القدس بشیم. به جای اینکه به روح القدس متکی باشیم و نیازمند نقش او باشیم، نقش عمده به انسان داده شده. رشینالیزم یا فلسفه عقلانی. در این فلسفه استدلال انسانی معیار برتر شناخته شده و بنابراین، بر روح القدس اعتباری قائل نمیشنند. در این فلسفه شما نمیتونید بر روح القدس استناد کنید و روح القدس در

هیچ مبحثی اعتبار ندارد. رومانتیسیم بر عواطف و احساسات تأکید دارد و نظریات دیگه و حقیقت را ندیده میگیره. لیبرالیسم این مکتب را از اواخر قرن نوزده تا اوایل قرن بیستم میبینید که مصونیت از خطا و اعتبار کتاب مقدس را زیر سؤال میبرند. اونها اعتقاد دارند که کتاب مقدس با الهام روح قدوس خدا نوشته نشده و مصون از خطا نیست و تماماً حقیقت ندارد. پنتیکاستالیزم. این مکتب در ابتدای قرن بیستم رواج پیدا کرد. و نقطه شروع اون گرد همایی خیابان آروسا در لس آنجلس در سال 1906 بود. واعظ مقدس ویلیام. جی سیمور شروع به موعظه کرد و جلسه با صحبت به زبانها، شفای با ایمان و اخراج ارواح ادامه پیدا کرد. سه تعلیم عمده در اونجا شروع شد و امروزه مشخصه های پنتیکاستالیزم هستند:

تعمید روح القدس که بعد از تبدیل شدن امکان پذیر هست. ما بعداً در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد. بعد از اینکه تبدیل شدید، تعمید دومی میگیرید، تعمید با روح القدس، صحبت کردن به زبانها نشانه تعمید روح القدس هست. پس اگر تعمید روح القدس رو یافتید به زبانه صحبت خواهید کرد. تمامی عطایای روح القدس در عهد جدید باید امروزه هم طلبیده بشه مورد استفاده قرار بگیره. نبوت، شفا، اخراج ارواح زبانها و بقیه عطایا که بعداً در مورد اونها صحبت **خواهیم کرد**. در حدود اواسط قرن بیستم نهضت پنتیکاستی که اساساً تبدیل به یک مذهب شده بود، به طرق مختلف شروع به نفوذ در عرصه های مذهبی مختلف کرد و نهضت های مختلف از اون بوجود آمد. بعضی ها اظهار میکردند پنتیکاستی نیستند، و بعد نیو پنتیکاستی ها رو میبینید که تقریباً زیر مجموعه ای جدید از پنتیکاستی ها هستند. جنبش کاریزماتیک رو میبینید که از نهضت پنتیکاستی نشأت گرفت. اون در درون مذاهبی مثل لوتران ها، ایپسکوپالینها و متدیست ها و بعضی مذاهب مختلف بوجود آمد. حتی بعضی کلیساهای کاتولیک تمایلات کاریزماتیک را تجربه کردند. نهضت کاریزماتیک اساساً قابلیت بکار گیری تمام عطایای عهد جدید در کلیسا های امروزی رو اعلام میکنه. مثل صحبت به زبانها، نبوت، عطیه شفا و چیزهایی که از اونا بحث خواهیم کرد. صادقانه بگم من طرفدار جدی کاریزماتیک نیستم و دلایلی رو بعداً خواهیم دید. اما تفاوت بین کاریزماتیک ها و پنتیکاستی ها اینه که کاریزماتیک ها در مورد لزوم تعمید دوم، تعمید روح زیاد سخت گیر نیستند. ونیز بعضی از کاریزماتیکها، در این مورد زیاد سخت گیر نیستند که برای صحبت کردن به زبانها لزوماً باید تعمید روح باشه. و بالاخره نهضت موج سوم از اوایل 1980 تا اواسط 1980. بعلاوه تصدیق تمامی عطایای عهد جدید، نهضت موج سوم به نشانه ها و عجایب و معجزات هم تأکید دارند. که در بشارت بکار میره. در دانشگاه الهیات فولر، پروفیسور جان ویمبر کلاسی در زمینه بشارت قدرتمند، نشانه ها و عجایب داره. او اظهار میکرد. وقتی بشارت میدیم باید همراه با نشانه ها و

عجایب باشه. این منجر به جنبش وینه یارد شد که جنبش کاریزماتیک سراسر دنیاست. حالا شاید فکر کنید، اهمیت موضوع چیه؟ چرا از این مسائل صحبت میکنی؟ این دلیلیه که من فکر میکنم چرا اینها برای درک تاریخ کلیسا، دانستن اینها اهمیت داره: ما رو هشیار میکنه. ما اولین کسانی نیستیم که در باره این موضوعات مطالعه و فکر میکنیم. میتونیم به 2000 سال گذشته نگاه کنیم و ببینیم قوم خدا در چه عرصه هائی گرفتار ارتداد شدند و از کلام خدا غفلت کردند ما میخوایم مراقب باشیم. داستان تاریخ کلیسا و درک ما از تاریخ کلیسا تقریباً مثل شاقول بما کمک میکنه که بفهمیم در کلام خدا ریشه داریم، ما رو هشیار میکنه. ما رو فروتن میکنه. من به هیچ وجه مدعی نیستم که میتونم پیام اینجا و تمام سئوالات مربوط به روح القدس رو حل کنم. قبلاً هم اشاره کردم که، شاید من اولین کسی باشم که اقرار میکنم خلأ هائی در الهیاتم دارم و در بعضی زمینه ها اشتباه میکنم. تنها مشکل اینجاست که نمیدونم در کدام مورد اشتباه دارم. پس تشویقتون میکنم امیدوار باشید اکثر چیزهائی که در این تعلیم میشنوید حقیقت هست. واقعیت اینه که در بعضی از این موضوعات – که موضوعاتی بسیار مهم و مسائل واقعی مسیحیت هستند. یقیناً بدن مسیح میتونه موافق باشه و یا موافق نباشه. من پیشاپیش میگم که مسائلی که از کلام نشون خواهم داد و بعضی نتیجه گیری ها که از کلام خدا خواهم کرد، الزاماً میتونه برای هر خواننده ای یا شنونده ای مورد قبول نباشه، پس بذارید اینو از روشن کنیم. این ما رو فروتن میکنه، اما شرح تاریخ کلیسا سبب نمیشه که ما بگیم بما ربطی نداره و چرا باید مطالعه کنیم؟ واقعیت اینه که در طی دو هزار سال گذشته قوم خدا کلام خدا رو پیش رو داشتند و روح خدا درونشان بوده. روح نیکو هست. او ما رو هدایت میکنه یکی از اهداف او اینه که ما رو به حقیقت راهنمایی کنه. پس میتونیم اطمینان داشته باشیم که وقتی وارد کلام خدا میشیم روح نیکوی خدا ما رو به حقیقت رهنمون بشه پس بیایید در پرتو این با هم شروع کنیم.

شخص روح القدس او کیست

کاربرد های «روح» در کتاب مقدس

کاربرد های «روح» در کتاب مقدس. کلمه «روح» در کتاب مقدس به پنج روش کلی بکار رفته. به طریق طبیعی باد. گاهی کتاب مقدس از باد صحبت میکنه. باد همون کلمه ایه که غالباً به روح القدس اشاره داره. در مورد فرشتگان بکار رفته - «روح شریر». زندگی بشری - «نفس» یا «روح». رفتار انسانی - «روح محبت» یا «روح تشخیص». صفت الهی - «روح قدوس خدا» یا «روح القدس». در

یوحنا 4 عیسی گفته، «خدا روح است و هر که او را می پرستند باید با روح و راستی عبادت نماید.» در این آیه نمیگه خدا روح القدس هست، بلکه میگه خدا روح هست؛ این یکی از صفات خداست. به این دلیل گفتم که گاهی اشاره به صفتی الهی داره، اما روح قدوس خدا- روح القدس - در سرتاسر کتاب مقدس هست چیزی حدود کمتر از صد بار در عهد قدیم و بیشتر از این در عهد جدید شرح داده شده. کاربرد های دیگری هم وجود داره، که کمی چالش برانگیزه چونکه در بعضی ترجمه ها میبینید که کلمه رو گاهی با حروف درشت نوشته شده و گاهی نه. مترجمین سعی دارند بفهمید واقعاً جریان چیه. آیا این اشاره به یکی از صفات خدا به عنوان روح هست؟ آیا این اشاره به روح القدس داره یا اشاره به چیز دیگه ایه؟ از این رو شما با چالشی مواجه میشدید، به هر حال کتاب مقدس کلمه «روح» رو در این موارد بکار میبره. میخوام به چهار واقعیت روح القدس فکر کنیم - او کیه.

شخصیت روح القدس ...

شخصیت روح القدس. روح القدس یک نیرو نیست. روح القدس نیروی جادویی نیست. گاهی ما روح القدس رو اینطور تصور میکنیم مثل یک نیروی فاقد شخصیت، و به این دلیل گاهی وقتی مردم در مورد روح حرف میزنند از اون با عنوان این نیرو حرف میزنند که در کاره به لوقا 4:14 نگاه کنید، اون میگه:

عیسی با قدرت روح القدس به استان جلیل برگشت و شهرت او سرتاسر آن ناحیه را پر ساخت.

همینطور اعمال رسولان 37:10 - 38 میگه:

شما خودتان از اتفاق بزرگی که در سرتاسر یهودیه روی داد باخبر هستید و می دانید همه این چیزها بعد از اعلام تعمید یحیی، از جلیل شروع شد. خدا، عیسی ناصری را با روح القدس و قدرت خود مسح کرد و می دانید چگونه عیسی به همه جا می رفت و اعمال نیک انجام می داد و همه کسانی که در اسارت شیطان بسر میبردند رهائی میبخشید زیرا خدا با او بود.

در هر دو متن میبینید که روح القدس قدرت داره، اما اگه سعی کنید قدرت رو با «روح» جایگزین کنید میبینید که این چیزی نیست که کتاب مقدس گفته مثلاً در آیه اول نگفته: *عیسی با قدرت، قدرت قدوس به استان جلیل برگشت و شهرت او سرتاسر آن ناحیه را پر ساخت.* یا نگفته *خدا، عیسی ناصری را با قدرت قدوس و قدرت خود مسح کرد.*

روح القدس قدرت داره روح القدس قدرت میاره و مردم رو نیرومند میکنه، اما روح القدس خودش نیروی فاقد شخصیت نیست.

روح یک احساس نیست. این روح را در حکم صفات انسانی قرار میدهند. من فکر میکنم گاهی ما روح را مثل روح کریسمس یا روح این و روح اون تصور میکنیم. این چیزی نیست که کتاب مقدس تعلیم میدهد. او یک احساس نیست. او شخصیتی واقعی هست: